

قرآن کریم
فرہنگ عفا و حجاب





بررسی اهمیت نماز و عفاف از دیدگاه قرآن و روایات

روح اله صمدی *

■ چکیده :

قرآن فلسفه نماز را یاد خدا می داند و ذکر خدا را مایه آرامش دلها و نتیجه آرامش دل را پرواز به ملکوت معرفی می کند. در اسلام از نماز هیچ فریضه ای بالاتر نیست. نماز پشتوانه ملت است. عفاف نیز یک فضیلت اخلاقی مهم بوده که در قرآن کریم ، قرین نماز قرار گرفته و این امر نشانگر ارتباط مستقیم این دو اصل بوده که اگر در جامعه پیوسته با هم عجین شوند دیگر به جامعه آسیبی نخواهد رسید. بررسی فلسفه و اهمیت نماز و عفاف موضوع این مقاله بوده ابتدا به معانی واژه ها پرداخته و سپس اهمیت و فلسفه نماز در آیات و روایات اسلامی ، روح حقیقت نماز ، عفت در آیات و روایات اسلامی و راههای پیشگیری از بی عفتی بررسی شده و در پایان نتیجه گیری و منابع تحقیق ذکر گردیده است.

■ واژه های کلیدی : نماز ، صلوٰه ، ذکر ، عفاف ، عفت ، حیا.

■ مقدمه :

نماز ، یک کارخانه انسان سازی و پرواز در بی نهایت و رسیدن به خوبیهاست. نماز، روح وحدت و یگانگی و قوه محرکه پایان ناپذیر. نماز، سنبل عبادت و بندگی و آهنگ آسمانی و دعوت انسان از فراز هزاران مجد، و سفر به به دیار خوبان. نماز، عصاره همه عبادات و گنج اهل دل ، راز و نیاز بر آستان جانان. نماز، سجاده سرخ مشتاقان ملاقات حق ، و آئین ره یافتگان. نماز، پیوند با پاکان و قرار در لحظه های سبز.

نماز، شمع جمع مردان حق و تمرین برای خوب شدن و نماز شدن انسان. نماز، فیض عظیم و حدیث پایداری و نسیم رحمت حق. نماز، رازها و نیازها در دل شب و در حریم یار و خضوع بر آستان جانان و بانگ خود آگاهی انسان. نماز، رهنمودهای آسمانی و آیه رحمت و نزول برکات حق و آوای ملکوتی ساکنان حرم سر. نماز، ره عشق و حدیث دلبران و شکوفائی اندیشه های زلال. نماز، آهنگ رستگاری و انوار تابان و تندیس عبودیت. نماز، هجرت و تلاش و راه یابی و آشتی با خدا و حدیث پایداری. نماز، طلوع روشنائی و شروع

لحظه های ناب و غروب تاریکیها و ناامیدیها و نماز ... جالب این که ، قرآن در بیان صفات برجسته مؤمنان ، عفت را بعد از نماز و زکات و پرهیز از لغو مطرح کرده و حتی آن را بر مساله امانت و پایبندی به عهد و پیمان نیز مقدم داشته است.

قرآن در عبارتهای کوتاه و بسیار پرمعنی ، ضمن بیان بخش مهمی از صفات مؤمنان ، پاکدامنی و عفت را یکی از خصلت های برجسته آنها دانسته و می گوید : « آنها کسانی هستند که دامن خود را (از آلودگی به بی عفتی) حفظ می کنند و تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره گیری از آنان ، ملامت نمی شوند و کسانی که غیر از این راهی را طلب کنند ، تجاوزگرند » و *«الذین هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین»* فمن ابتغی وراء ذلك فاولئك هم العادون

حقیقت نماز اعم از معنای ظاهر و باطن است و محدود و محصور نمودن آن به ظاهر، چون محدود نمودن حقیقت انسان و انسانیت او به جسم مادی است. همانطور که حقیقت انسان در این جسم خاکی و هیكل

■ یاد و ذکر خدا مایه آرامش دلها :

انسان موجودی است که در زندگی خود، خواه نا خواه با اضطرابات و نگرانی هایی روبروست. گاهی این نگرانی ها برای برخی محدود به مسائل مادی است و گاهی از این حد گذشته و جنبه غیر مادی و معنوی هم پیدا می کند. این حالت گاهی برخی از انسانها را چنان به خود مشغول می دارد که تمام عمرشان را در بر می گیرد و با همان حالت از دنیا می روند و در برخی دیگر، مدتی از حیاتشان را اشغال و زمانی سر بلند می کنند که مدت زیادی از عمرشان سپری شده است. اما عدهای از افراد آگاه با تدبیر خاص جلوی این حالات درونی خود را گرفته و نا آرامی درونی خود را آرامش می بخشند. برای همه ما این نکته حائز اهمیت بسیاری است که بدانیم عامل این آرامش چیست و چگونه آن اضطراب به طمأنینه تبدیل شده و آرامش تضمین و تأمین می گردد. آری خداوند با یک جمله کوتاه و مختصر پاسخ این سؤال را داده اند که «بدانید با یاد خدا دلها آرام می گیرد». علامه طباطبائی صاحب تفسیر ارزشمند المیزان در تبیین و تفسیر این آیه می فرماید: «در این آیه و کلام الهی تذکر

مادی قالب گیری شده و به اطوار مختلف و گوناگون درآمده و به این شکل ظاهری وجود یافته است چنانچه خداوند فرماید: وقد خلقتکم اطواراً» و به تحقیق شما را به صورت گوناگون آفرید^۲. حقیقت نماز هم چون سایر امور در باطن و روح او نهفته شده که این قالب و صورت را پذیرا شده است هرگاه آن حقیقت بخواهد در عالم خارج تحقق یابد قطعاً باید در همین طور و قالب خاص باشد و در غیر این صورت نماز نبوده بلکه پدیده دیگری است. هرگاه این قالب خاص و صورت ظاهری نماز با روح و باطن آن آمیخته و قرین گردد نماز حقیقت خود را یافته و تأثیر خود را می گذارد.^۳ نماز حقیقتی است که ظاهر و باطن انسان را در گردونه ی طهارت و پاکی مادی و معنوی قرار می دهد ، و درون و برون را زینت می بخشد ، و برای نماز گزار نورانیتهی خاص ایجاد می کند.^۴

۲. سوره جن ، آیه ۱۴.

۳. احمد پور ترکانی ، علی ، نماز خوبان (حکایات و داستانهایی از دانشمندان و فرزندان) ، ناشر: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مشهور ، تهران ، ص ۳۸.

۴. انصاریان ، حسین ، توبه آغوش رحمت ، قم ، دار العرفان ، ۱۳۸۲ ، ص ۲۱.



■ معنا و مفهوم عفت :

«عفت» نقطه مقابل «شکم پرستی و شهوت پرستی» است که از مهمترین فضایل انسانی محسوب می‌شود. «عفت» به گفته راغب اصفهانی در کتاب «المفردات»، به معنی پدید آمدن حالتی در نفس است که آدمی را از غلبه شهوت باز می‌دارد و «عفیف» به کسی گفته می‌شود که دارای این وصف و حالت باشد.^۷ صاحب «مقایس اللغة» می‌نویسد: «عفت در اصل به دو معنی آمده است: نخست، خودداری از انجام کارهای زشت و دیگر، کم بودن چیزی. لذا عرب به باقی مانده شیردر پستان مادر «عفه» (بر وزن مدت) می‌گوید. ولی از کلام راغب اصفهانی در مفردات، استفاده می‌شود که هر دو معنی به یک چیز باز می‌گردد. (زیرا افراد عفیف به چیز کم قانع هستند). مؤلف التحقیق می‌نویسد: «این ماده در اصل، به معنی حفظ نفس از تمایلات و شهوات نفسانی است، همان گونه که تقوا به معنی حفظ نفس از انجام گناهان می‌باشد، بنابراین عفت یک صفت دورنی است، در حالی که تقوا ناظر به اعمال خارجی است.»

و توجهی برای مردم است که قلبها را متوجه و متمایل به یاد و ذکر او سازند. زیرا هیچ تلاش و همتی برای انسان در زندگیش نیست مگر برای رسیدن به سعادت و نعمت و هیچ ترسی ندارد مگر ترس از افتادن در بدبختی و سختی و شقاوت و خداوند تنها سبب و یگانه عاملی است که امور خیر در دست اوست و نیز همه خوبی‌ها به او بر می‌گردد.

و او قادر بر بندگان و ضامن سعادت ایشان است. پس توجه و اعتماد و اتصال به او موجب نشاط و شادابی و کمال مطلوب است. پس قلبها به یاد او از نگرانی‌ها و اضطرابات مطمئن می‌شوند و تسکین می‌یابند»^۵ در روایت وارد شده است که وقتی این آیه (آیه ۲۸ سوره رعد) نازل شد پیامبر (ص) به اصحابش فرمود آیا می‌دانید معنی این آیه چیست؟ اصحاب گفتند خدا و رسولش بهتر می‌دانند. فرمود: «کسی که خدا و رسول او و اصحاب پیامبر را دوست بدارد». و در روایت دیگر دارد که خدا و رسول و اهل بیت و پیروان و شیعیان ما را دوست داشته باشد»^۶

۵. میزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۳۵۸.

۶. همان، ص ۳۷۰.

۷. رغب اصفهانی، المفردات، ذیل واژه عفت.



خاص آن، خویشتن داری در برابر تمایلات بی بند و بار جنسی است.

«عفت» یکی از فضایل مهم اخلاقی در رشد و پیشرفت و تکامل جوامع انسانی است؛ اما شهوت که مقابل عفت قرار دارد، موجب سقوط فرد و جامعه می‌شود. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که اشخاص یا جوامعی که بهره کافی از عفت داشته‌اند، از نیروهای خداداد خود، بالاترین استفاده را در راه پیشرفت خود و جامعه خویش برده و در سطح بالایی از آرامش و امنیت زیسته‌اند، اما افراد یا جوامعی که در «شهوت‌پرستی» غرق شده‌اند، نیروهای خود را از دست داده و در معرض سقوط قرار گرفته‌اند.

• عفت، فضیلت بزرگ اخلاقی :

از آیات قرآن مجید و روایات اسلامی استفاده می‌شود که «عفت» از بزرگترین فضایل انسانی است و هیچ کس در سیر الی الله، بدون داشتن «عفت» به جایی نمی‌رسد. در زندگی دنیا نیز آبرو و حیثیت و شخصیت انسان در گرو عفت است.

۱- «للفقراء الذين احصروا في سبيل الله لا يستطيعون ضربا في الارض يحسبهم الجاهل

اغنياء من التعفف تعرفهم بسيماهم لا

عفت بمعنی مناعت است در شرح آن گفته‌اند: حالت نفسانی در شرح آن گفته‌اند:

حالت نفسانی است که از غلبه شهوت باز دارد پس باید عقیف بمعنی خود نگه دار و با مناعت باشد «يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ» (بقره: ۲۷۳). بی‌خبر آنها را از مناعتشان غنی می‌پندارد. «وَ لَيْسَ لِيُفِيهِمُ الَّذِينَ لَا يُجِدُونَ كِتَابًا حَتَّى يُعْطِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ نورا». ۳۳. آنانکه قدرت تزویج ندارند خود نگه‌داری و عفت پیش گیرند تا خدا از کرم خویش آنها را بی‌نیاز گرداند. در نهج البلاغه حکمت ۶۸ آمده: «وَ الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ» تملک نفس و مناعت زینت فقر است.^۸ در معنی عفت گفته‌اند: حالتی است که از غلبه شهوت باز می‌دارد، منظور

از آن در آیه خود نگهداری از زنا و مانند

آنست.^۹ علمای اخلاق نیز در تعریف «عفت»، آن را صفتی حد وسط در میان شهوت پرستی و خمودی دانسته‌اند. «عفت» نیز دارای مفهوم عام و خاص است. مفهوم عام آن، خویشتن داری در برابر هر گونه تمایل افراطی نفسانی است و مفهوم

۸. قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۸.

۹. تفسیر أحسن الحديث، ج ۷، ص ۲۰۷.



گرامی داشته (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنیم؟) مسلماً ظالمان رستگار نمی شوند!».

۳. «و لقد همت به و هم بها لولا ان رآ برهان ربه كذلك لنصرف عنه السوء والنجس انه من عبادنا المخلصين» (سوره يوسف، آیه ۲۴). آن زن قصد او کرد و او نیز قصد وی می نمود! این چنین کردیم تا بدی و فحشاء را از او دور سازیم، زیرا او از بندگان مخلص ما بود.

۴. «قالت فذالک الذی لمتنی فیه و لقد راودته عن نفسه فاستعصم و لئن لم یفعل ما امرت به لیسجنن و لیکونا من الصاعقرین قال رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه و الا تصرف عنی کیدهن اصب الیهن و اکن من الجاهلین فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهن انه هو السميع العليم» (سوره يوسف، آیات ۳۲-۳۴). (همسر عزیز مصر) گفت: «این همان کسی است که به خاطر (عشق) او مرا سرزنش کردید! (آری!) من او را به خویشتن دعوت کردم و او خودداری کرد و اگر آنچه را دستور می دهم، انجام ندهد، به زندان خواهد افتاد و مسلماً خوار و ذلیل خواهد شد». (یوسف)

یستلون الناس الحافا و ما تنفقوا من خیر فان الله به علیم» (سوره بقره، آیه ۲۷۳). (انفاق شما مخصوصا باید) برای نیازمندی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته اند، و توجه به آیین خدا، آنها را از وطن های خویش آواره ساخته و شرکت در میدان جهاد به آنها اجازه نمی دهد تا برای تامین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارت بزنند، نمی توانند مسافرتی کنند (و سرمایه ای به دست آورند) و از شدت خویشتن داری، افراد ناآگاه آنها را بی نیاز می پندارند، اما آنها را از چهره هایشان می شناسی و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی خواهند (این است مشخصات آنها) و هر چیز خوبی در راه خدا، انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است.

۲- «و راودته التی هو فی بیتها عن نفسه و غلقت الابواب و قالت هیت لک قال معاذ الله انه ربی احسن منوای انه لا یفلح الظالمون» (سوره يوسف، آیه ۲۳). و آن زن که یوسف در خانه او بود، از او تمنای کامجویی کرد، درها را بست و گفت: «بیا به سوی آنچه برای تو مهیاست». (یوسف) گفت: «پناه می برم به خدا و [عزیز مصر] صاحب نعمت من است، مقام مرا

اطراف مدینه بودند که نه خانه‌ای در مدینه داشتند و نه خویشاوندانی که به منزل آنها بروند و نه کسب و کار، ولی در عین حال، در نهایت تعفف در محلی که به صورت سکوی بزرگ در کنار مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود، زندگی می‌کردند. آنها مجاهدانی بودند که به فرمان رسول الله (صلی الله علیه و آله) به میدان‌های جنگ حرکت می‌کردند و در عین گرسنگی و نیازمندی شدید، عزت نفس و خویشتن‌داری و عفت‌خویش را حفظ می‌کردند.

به هر حال، قرآن مجید این گروه از عفیضان را در آیه فوق با تعبیرات مختلف ستوده‌است و آنها را به عنوان الگو برای سایر مسلمانان معرفی نموده است. در آیه دوم و سوم، سخن از «عفت» و پاکدامنی یوسف (علیه السلام) است که در سخت‌ترین شرایطی که تمام اسباب گناه در آن آماده بود، خود را حفظ کرد. به خداوند خویش پناهنده شد و از کوره یک امتحان بزرگ الهی، آبرومندانه بیرون آمد.

همسر فریبای جوان و زیبای عزیز مصر، از تمام وسایل و روشها، برای رسیدن به مقصد خود استفاده کرد، وسایلی که تنها بخشی از آنها برای تحریک یک جوان مجرد

گفت: «پروردگارا! زندان، نزد من محبوبتر است از آنچه اینها مرا به سوی آن می‌خوانند! و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من باز نگردانی، به سوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود!» پروردگارش دعای او را اجابت کرد و مکر آنان را از او گردانید، زیرا او شنوا و داناست.

۵- «و الذین هم لفروجهم حافظون» (الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فساتیم غیرملموسین» فمن ابتغی وراء ذلك فاولئك هم العادون» (سوره مؤمنون، آیات ۵-۷). و

آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی عفتی) حفظ می‌کنند. تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند و کسانی که غیر از این راه را طلب کنند، تجاوزگرند! ۶ «... و الحافظین فروجهم و الحافظات...» (سوره احزاب، آیه ۳۵). مردان پاکدامن و زنان پاکدامن.

• تفسیر آیات فوق :

بدیهی است که در آیه نخست، «عفت» به معنی خویشتن‌داری در مسایل مالی است، نه امور جنسی. جمعی از مفسران، شان نزول آن را «اصحاب صفه» دانسته‌اند. آنها یک‌گروه چهار صد نفری از مسلمانان مکه و



هم سن و سال حضرت یوسف (علیه السّلام) کافی بود، ولی حضرت یوسف (علیه السّلام) در برابر امواج شدید شهوت ایستادگی نمود و خود را به کشتی لطف پروردگار سپرد که اگر نمی‌سپرد، غرق شده بود، همان گونه که آیه بعد می‌فرماید: «آن زن قصد کامجویی را از او حضرت یوسف (علیه السّلام) کرد و او نیز - اگر برهان پروردگار را نمی‌دید قصد وی می‌نمود، این چنین کردیم. (و یوسف را در برابر این طوفان شدید تنها نگذاشتیم) تا بدی و فحشاء را از او دور سازیم، زیرا او از بندگان مخلص ما بود،» و لقد همت به و هم بها لو لا ان رءا برهان ربه كذلك لمصرف عنه السوء و الفحشاء انه من عبادنا المخلصين»^۱ «من عبادنا» (از بندگان ما) و «مخلصين» (خالص شدگان)، تعبیرات بسیار پرمعنایی است که در این آیه به عنوان نشان افتخار بر سینه حضرت یوسف (علیه السّلام) نصب شده است.

گر چه حضرت یوسف (ع) با وجود عفت و پاکدامنی از سوی همسر عزیز مصر متهم به خیانتی شد که ممکن بود به قیمت جان او تمام شود، ولی خداوندی که وعده

حمایت از مؤمنان پاکدامن را داده است توسط گواهی کودک شیرخواری که در گهواره بود، به صورت معجزه آسایی، او را نجات داد. آنچه بعضی از افراد نادان و بی‌خبر، در شرح این آیات نوشته‌اند که منظور از «هم بها» این است که حضرت یوسف (علیه السّلام) نیز آماده کامجویی از زلیخا شد، نه با مقام عصمت انبیاء سازگار است و نه با لحن آیات فوق، بلکه قرآن می‌گوید: «برهان پروردگاره یاری حضرت یوسف آمد که اگر نیامده بود، آماده می‌شد، ولی چون به سراغش آمد، قصد گناه نکرد.» فخر رازی در تفسیر این آیه، تعبیر جالبی دارد. او می‌نویسد: «همه، حتی شیطان شهادت به پاکی حضرت یوسف (علیه السّلام) دادند، زیرا شیطان در همان زمانی که رانده درگاه خدا شد، گفت: من برای گمراه ساختن همه فرزندان آدم تلاش می‌کنم، جز بندگان مخلص تو.» قال فبعضرتك، لا عوب لهم اجمعين^۲ لا عبادك منهم المخلصين^۳

سپس فخر رازی می‌افزاید: «اگر گویندگان این سخنان بی‌اساس و خرافی، تابع خداوند هستند، خداوند شهادت به پاکی

۱۱. مکارم تیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن ۲، ص ۸۲

۱۰. سوره یوسف، آیه ۲۴.



حضرت یوسف (علیه السّلام) داد و اگر پیرو شیطانند ، شیطان نیز شهادت به پاکی او داده است.^{۱۲}

در چهارمین آیه که ادامه شرح زندگی پرماجرایی حضرت یوسف (علیه السّلام) و بیان مقام والای عفت و پارسایی اوست ، ضمن اشاره به آزمون دیگری که مانند طوفانی سخت در برابر او پدیدار شده بود ، می فرماید: «هنگامی که آوازه عشق سوزان عزیز مصر به غلام کنعانیش حضرت یوسف (علیه السّلام) ، در شهر پیچید و زنان مصر ، زبان به ملامت و سرزنش او گشودند ، او برای اثبات بی گناهی خود ، مجلس میهمانی عظیمی ترتیب داد و از زنان سرشناس مصر دعوت کرد و در یک لحظه حساس ، حضرت یوسف (علیه السّلام) را وادار کرد که وارد آن مجلس شود. هنگامی که آنها چشمشان به جمال دل آرای حضرت یوسف (علیه السّلام) افتاد ، زمام اختیار را از دست دادند و با کاردهایی که برای خوردن میوه در دست داشتند، بی اختیار دستهایشان را بریدند و همگی گفتند: این جوان، یک انسان نیست که یک فرشته زیبا و عجیب است» در آن

هنگام که همسر عزیز مصر خودش را پیروز می دید ، رو به آنها کرد و گفت : «این همان کسی است که مرا به خاطر (عشق) به او سرزنش کردید. (آری) من او را به خویشتن دعوت کردم و او خودداری کرد. اگر آنچه را که من دستور می دهم، انجام ندهد، به زندان خواهد افتاد و به یقین خوار و ذلیل خواهد شد، « *قالت فذلک الذی لمتنی فیہ و لقد راودتہ عن نفسه فاستعصم و لئن لیم یفعل ما امرہ لیسجنن و لیکونن من الصّاعرین* »^{۱۳} این دومین امتحان سخت و سنگین حضرت یوسف (علیه السّلام) بود. او بر سر دو راهی قرار داشت ، یکی ، تسلیم شدن در برابر درخواست همسر عزیز مصر و به کام دل رسیدن و از هر گونه ناز و نعمت و محبت برخوردار شدن و دیگری مقاومت کردن و به زندان افتادن و اعمال سخت آن را تحمل نمودن. در پنجمین آیه مورد بحث ، عفت به عنوان یکی از صفات برجسته مؤمنان معرفی شده است. در آخرین آیه مورد بحث ، قرآن بیان می کند که خداوند ، ده گروه از مردان و زنان برجسته را مورد مغفرت و اجر عظیم قرار می دهد که نهمین آنها مردان و زنانی است که دامان خود را از

۱۲. سوره یوسف ، آیه ۳۳.

۱۳. فخر رازی ، تفسیر کبیر ، ج ۱۸ ، ص ۱۱۷.



آلودگی به بی‌عفتی، نگه داشته و پاکدامن و عقیقت‌دار در بیان اوصاف دهمین گروه، اشاره می‌کند که آنها بسیار یاد خدا می‌کنند و بعید نیست که بیان این مطلب، دلیل رابطه نزدیکی میان عفت و یاد خدا بودن، باشد که نتیجه همه اینها، آمرزش الهی و اجر عظیمی است که عظمتش را تنها خودش می‌داند. در جای دیگر اشاره شده است که روزه نیز یکی از راه‌های مهار طغیان «شهوة جنسی» است، بنابراین میان عفت و روزه، رابطه مستقیم وجود دارد.^{۱۴}

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) می‌فرماید: «یا معشر الشباب ان استطاع منکم الباءة فلیتزوج فانه اغض للبصر و احسن للفرج و من لم یستطع فعلیه بالصوم»^{۱۵}، ای گروه جوانان! کسی که از شما توانایی بر ازدواج داشته باشد، ازدواج کند، زیرا ازدواج سبب می‌شود که از نوامیس مردم چشم فرو بندد و دامن خویش را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ کند و کسی که توانایی بر ازدواج ندارد، روزه بگیرد.»

عفت در روایات اسلامی:

در منابع حدیثی، اهمیت فوق‌العاده‌ای به «عفت» داده شده است که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم: امام امیر المؤمنین (علیه السلام)، عفت را برترین عبادت شمرده است: «افضل العبادة العفاف» تعبیر به عفت در این جا، ممکن است به معنی وسیع آن استعمال شده و یاممکن است در مقابل شکم پرستی و شهوت جنسی به کار رفته باشد. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «ما عبد الله بشيء افضل من عفة بطن و فرج، هیچ عبادتی در پیشگاه خداوند، برتر از عفت در برابر شکم و مسایل جنسی نیست».^{۱۶}

نیز می‌فرماید: «اذا اراد الله بعبد خیرا اعف بطنه و فرجه» هنگامی که خداوند خیر و خوبی برای بنده‌اش بخواهد، به او توفیق می‌دهد که در برابر شکم و شهوت پرستی عفت پیدا کند.^{۱۷} در حدیث دیگری که مفضل از امام صادق (علیه السلام)، در توصیف شیعیان واقعی نقل شده، آن حضرت چنین می‌فرماید: «انما شیعة جعفر من عف بطنه و فرجه و اشد جهاده و عمله لخالقه و رجاء ثوابه و خاف عقابه فاذا رایت

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ۲، ص ۸۳

۱۵. تفسیر مرفعی، ج ۲۲، ص ۱۰

۱۶. اصول کافی، ج ۲، ص ۷۹

۱۷. غرر الحکم، شماره ۴۱۱۴

آنچه از آیات و روایات فوق حاصل می‌شود این است که اسلام اهتمام فوق العاده به مساله پرهیزکاری در برابر شهوت شکم و بی بند و باری جنسی دارد تا جایی که آن را نشانه شخصیت، غیرت، ایمان و پیروی از مکتب اهلبیت (علیهم السّلام) معرفی می‌کند. تاریخ نیز سرچشمه بسیاری از گرفتاری‌های انسان را از همین دو امر (شهوت شکم و شهوت جنسی) می‌داند، زیرا شهوت شکم، به انسان اجازه تفکر مشروع را نمی‌دهد تا به وسیله آن، حقوق انسان‌ها را رعایت کند و در مسیر عدالت گام بردارد. به همین علت، انسان را به ارتکاب انواع گناهان وا می‌دارد. علاوه بر اینها، شهوت شکم، سرچشمه بسیاری از بیماری‌های جسمانی و اخلاقی است تا آنجا که گاهی، شکم به بت خطرناکی مُبدّل شده و انسان را به پرستش و اطاعت خویش در همه زمینه‌ها وادار می‌سازد.

پیامبر اکرم (ص) نیز، در این رابطه، درباره مردم آخر الزمان فرموده است «یاتی علی الناس زمان بطونهم الهتهم و نسائهم قبلتهم و دنانیرهم دینهم، و شرفهم متاعهم، لا یبغی من الايمان الا اسمه و لا من الاسلام الا رسمه و لا من القرآن الا درسه،

اولئك فاولئك شیعة جعفر» پیروان حقیقی جعفر بن محمد، کسانی هستند که در برابر شکم پرستی و بی بند و باری جنسی، عفت و (در راه بندگی خدا) تلاش و کوشش فراوان دارند، به ثواب او امیدوارند و از عقاب او بیمناک. (به همین دلیل، پیوسته، در راه حق حرکت می‌کنند. هرگاه کسی را با این صفات ببینی، آنها پیروان و شیعیان جعفر بن محمد (علیه السّلام) می‌باشند.»^{۱۸} امیر مؤمنان علی (علیه السّلام) می‌فرمایند: «قدر الرجل علی قدر همته، و صدقه علی قدر مروته، و شجاعته علی قدر انفته و عفته علی قدر غیرته، ارزش هر کس به اندازه همت او و صداقت هر کس به اندازه شخصیت او و شجاعت هر کس به اندازه زهد و بی اعتنایی او به ارزشهای مادی و عفت هر کس به اندازه غیرت اوست.»^{۱۹} بدیهی است، افراد غیرتمند راضی نمی‌شوند که کسی نگاه آلوده به نوامیس آنها کند، به همین دلیل، نسبت به نوامیس دیگران نیز حساسند و متعرض آنها نمی‌شوند.

۱۸. وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۹۹.

۱۹. نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۴۷.



مساجدهم معموره من البناء و قلوبهم خراب
علی الهدی»: ^{۲۰} زمانی بر مردم فرا می‌رسد
که شکم‌های آنها بت‌های آنهاست و زن‌های
آنها قبله آنهاست و دینارهایشان دینشان و
شرفشان متاعشان است، در آن زمان از
ایمان جز نامی و از اسلام جز رسمی و از
قرآن جز درسی باقی نمی‌ماند، مساجدشان
از نظر ساختمان آباد و دل‌هایشان از نظر
هدایت خراب است...»

• راه‌های پیشگیری از بی‌عفتی :

می‌توان امور زیر را به عنوان عمده‌ترین راه
کنترل در این خصوص ذکر کرد: ^{۲۱}
۱- حجاب و ترک خودآرایی در انظار عموم
: بی‌شک، یکی از اموری که به شهوت
جنسی دامن می‌زند، «برهنگی و خودآرایی
زن و مردان» برای یکدیگر است که تاثیر
آن، به خصوص در میان جوانان مجرد،
قابل انکار نیست، به گونه‌ای که می‌توان
گفت: آلودگی به بی‌عفتی رابطه مستقیمی
با بی‌حجابی، برهنگی و خودآرایی در انظار
عموم دارد. به همین دلیل، دستور حجاب
یکی از مؤکدترین دستورهای اسلام است.
قرآن مجید در آیات متعددی از جمله :

آیات ۳۱ و ۶۰ سوره نور و آیات ۳۳ و ۵۹
احزاب، بر مساله حجاب تاکید کرده است
که گاهی زنان با ایمان را مخاطب قرار
می‌دهد و گاهی همسران پیامبر (صلی الله
علیه و آله) را و گاهی نیز با استثنا کردن
زنان پیر و از کار افتاده، تکلیف بقیه را
روشن می‌سازد، به این ترتیب با عبارات
مختلف، اهمیت این وظیفه اسلامی را بازگو
می‌کند. بدیهی است که برداشتن حجاب،
مقدمه برهنگی، آزادی جنسی و بی‌بند و
باری است که مشکلات و مفسد ناشی از آن
، در عصر و زمان ما بر کسی پوشیده نیست.
بی‌حجابی، علاوه بر این که از نظر اخلاقی
سبب نا امنی خانواده‌ها و بروز جنایات
می‌شود، ضمناً سبب ایجاد هیجان‌های
مستمر عصبی و حتی بیماری‌های روانی
نیز می‌گردد که ثمره آن سستی پیوند
خانواده‌ها و کاهش ارزش شخصیت زن در
جامعه است.
۲- عدم اختلاط زن و مرد : بی‌شک در
جامعه مخصوصاً در جامعه فعلی نمی‌توان
زندگی زن و مرد نامحرم را به طور کامل از
هم جدا کرد، ولی در مواردی که ضرورتی
نداشته باشد، چنان که از اختلاط پرهیز
شود، به یقین، اصول عفت و پارسایی،

۲۰. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۵۳.

۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ص ۸۳.



بہتر حفظ خواهد شد ، دلیل آن ہم مفسد بسیار وحشتناک و شرم آوری است کہ از اختلاط پسران و دختران در کشورهای غربی دیدہ می شود .

۳- مطبوعات و رسانه های تصویری : مطبوعات و رسانه های تصویری نقش بسیار مؤثری در تحریک مسایل جنسی ، مخصوصا در میان قشر جوان دارد . افراد سودجو و گروه هایی کہ از این راه بہ درآمدهای هنگفت نامشروعی می رسند ، دست بہ انتشار مفتضح ترین فیلم ها ، عکس ها ، رمان ها و داستان های عشقی کثیف می زنند و در شرایطی کہ امواج رسانه ها بہ آسانی از یک گوشہ جهان بہ گوشہ دیگر منتقل می شود ، کنترل آنها کار آسانی نیست ، ولی بہ ہرحال اگر این امر بہ طور کامل ، امکان پذیر نباشد ، بہ طور ناقص امکان پذیر است کہ غفلت از آن ، موجب گرفتاری های فراوان اخلاقی و اجتماعی است .

نتیجہ گیری :

با بہ مطالب ذکر شدہ می توان گفت نماز حقیقتی است کہ ظاہر و باطن انسان را در گردونہ ی طہارت و پاکی مادی و معنوی قرار می دہد ، و درون

و بیرون را زینت می بخشد ، و برای نمازگزار نورانیتی خاص ایجاد می کند . همچنین یاد خدا کہ یکی از اسرار نماز می باشد بسیاری از فضائل را در انسان زندہ می کند ، ریشہ واقعی خیلی از روشہای اخلاقی و تربیتی ، یاد خداست ، بلکہ می توان گفت ضامن اجراء واقعی برای بسط عدالت ، و گسترش حق و حقیقت و اجتناب از ہر گونه تجاوز بہ حقوق فرد و اجتماع ، همان ایمان بہ خدا و یاد خدا است . یاد خدا بسان زنجیری است کہ انسان را از بسیاری از کارہای ناشایست کہ موجب خشم و ناخشنودی اوست ، باز می دارد ، انسانی کہ با انواع وسائل ہوسرانی مجهز است ، پایہ های حکومت غرائز طغیانگر در کانون وجود او مستحکم و پا بر جا است ، و برای تمایلات جنسی و ہوسہای نفسانی خود مرزی نمی شناسد ، یگانہ وسیلہ برای کنترل کردن او همان یاد خدا و تذکر آفریدگار جهان است . لذا انسانی کہ نماز می خواند عفت را نیز رعایت می کند چون ارزش و اهمیت عفت آنقدر زیاد می باشد کہ خداوند متعال در قرآن کریم عفاف و پاکدامنی را بعد نماز و زکات مطرح نمودہ است . نیز در صورت رعایت عفاف در جامعہ ، بزهکاری و

- فحشا کاهش یافته و دیگر هیچگونه مشکلی^{۱۰}.
 گریبانگیر افراد جامعه اتفاق نخواهد شد لذا
 با انجام این اصل می توانیم جامعه ی
 سالمی داشته باشیم.
- * منابع و مأخذ :
۱. قرآن کریم.
 ۲. نهج البلاغه.
 ۳. ابن فارس ، احمد ، معجم مقاییس اللغة ، مكتب الاعلام الاسلام ، قم ، چاپ اول ، ۱۴۰۴ هـ. ق.
 ۴. ابن فارس ، احمد ، معجم مقاییس اللغة ، مكتب الاعلام الاسلام ، قم ، چاپ اول ، ۱۴۰۴ هـ. ق.
 ۵. احمد پور ترکمانی ، علی ، نماز خوبان (حکایات و داستانهایی از دانشمندان و فرزانتگان) ، ناشر: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی مشهور ، تهران.
 ۶. انصاریان ، حسین ، توبه آغوش رحمت ، قم ، دار العرفان ، ۱۳۸۲.
 ۷. جعفری ، یعقوب ، تفسیر کوثر ، انتشارات هجرت ، قم ، چاپ اول ، ۱۳۷۶ ش.
 ۸. حر عاملی ، محمد بن حسن ، وسائل الشیعه ، آل البيت ، قم ، چاپ اول ، ۱۴۰۹ ق.
 ۹. راغب اصفهانی ، حسین بن محمد ، المفردات فی غریب القرآن ، دار العلم دار الشامیه ، بیروت ، چاپ اول ، ۱۴۱۲ ق.
- طباطبایی ، سید محمد حسین ، المیزان فی تفسیر القرآن ، ترجمه : سید محمد باقر موسوی همدانی ، انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه قم ، قم ، چاپ پنجم ، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. فخرالدین رازی ، محمد بن عمر ، مفاتیح الغیب ، دار احیاء التراث العربی ، بیروت ، چاپ سوم ، ۱۴۲۰ ش.
 ۱۲. فیض کاشانی ، محمد بن مرتضی ، محجة البيضاء ، دفتر انتشارات اسلامی ، قم ، چاپ دوم ، بی تا.
 ۱۳. قرشی ، سید علی اکبر ، تفسیر أحسن الحدیث ، بنیاد بعثت ، تهران ، چاپ سوم ، ۱۳۷۷ ش.
 ۱۴. همو ، قاموس قرآن ، دارالکتب الاسلامیه ، تهران ، چاپ ششم ، ۱۳۷۱ ش.
 ۱۵. قمی ، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق) ، من لا یحضره الفقیه ، جامعه مدرسین ، قم ، چاپ دوم ، ۱۴۰۴ ق.
 ۱۶. مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار ، موسسه الوفاء ، بیروت ، چاپ دوم ، ۱۴۰۴ ق.
 ۱۷. مصطفوی ، حسن ، التحقیق لکلمات القرآن الکریم ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، تهران ، بی جا ، ۱۳۶۰ ش.
 ۱۸. مکارم شیرازی ، ناصر و دیگران ، اخلاق در قرآن ، دارالکتب الاسلامیه ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۷۴ ش.

